

## اظهارات «محکوم به مرگ» پرونده «سگ دعوا» را دوباره گشود

# اعتراف عجیب پای چوبه دار!

اختصاصی خراسان

چند بار به او گفته بودم که کسی را به منزلش راه ندهد ولی او گوش نکرد. آن روز ظهر «الف» حال طبیعی نداشت و در حالی که چاقویی را در دست اش می فشرد، فریادمی کشید. او شیشه کشیده بود و در حال و هوای دیگری بود. وقتی داخل حیاط منزل «ب» چاقو را در دست اش دیدم، خیلی ترسیدم. چاقو را از داخل غلاف آن بیرون کشیدم که غلاف در دست «الف» ماند. او مرا گرفته بود که مجبور شدم چند ضربه به

آرامش خاصی یافتم. او مرادلداری داد، طوری که پدرم تا کنون با من صحبت نکرده بود. او گفت: با خود کشی آخرت خودت را هم خراب می کنی! تو باید محاکمه شوی و قانون در باره ات تصمیم بگیرد اما در عین حال نباید انسان امیدش را از دست بدهد. بعد از آن هم از طریق تلفن مرا به قاضی مرتبط کرد که او نیز باتوصیه هایی سعی در منصرف کردن من از خود کشی داشت و تاکید کرد: انسان نباید به خاطر رهایی

درباره وی اجرا شود اما زمانی که ماموران اجرا، طناب دار را به گردن وی آویختند او ناگهان فریادز ددست نگه دارید! من یک قتل دیگر هم انجام داده ام!

قاضی زرگر (قاضی با تجربه اجرای احکام) با شنیدن این اظهارات، دستور توقف اجرای حکم را صادر کرد و این گونه طناب دار از گردن قاتل ۲۴ ساله باز شد! او مقابل قاضی زرگر ایستاد و گفت: چندین ماه قبل از آن که دستم به خون «احمد» (مرد ۳۳ ساله) آلوده شود، در یک پرونده دیگر جنایی نیز متهم به قتل بودم اما بعد از مدتی که در بازداشت به سر می بردم، اتهام قتل به اثبات نرسید و من از زندان آزاد شدم! ولی در آن نزاع مرگبار حضور داشتم و من در ماجرای «دعوا سگ» در منطقه جیم آباد مشهد، صاحب سگی را که به پلنگ معروف بود، کشتم!

به گزارش خراسان، با آن که قاضی اجرای احکام از قبل در جریان پرونده معروف به «دعوا سگ» قرار داشت و می دانست که متهم برای فرار از مجازات قصاص نفس، چنین ادعایی را پای چوبه دار مطرح می کند اما باز هم برای آن که با احتمال بسیار ضعیف خونی پایمال نشود، با هماهنگی قاضی عندلیب (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی در اجرای احکام مشهد) اجرای حکم قصاص فرهاد را به تعویق انداخت تا اظهارات او دوباره مورد



بخش اختصاصی از خراسان

**قاتل در حال اعتراف به جنایت**  
**در حضور قاضی حسینی (قاضی ویژه قتل عمد در زمان حادثه)**

شکمش بزخم تار مارها کند.

متهم در پاسخ به سوال قاضی حسینی که پرسید، تو که از اومی ترسیدی چرا فرار نکردی؟ نیز گفت: نتوانستم فرار کنم، از او کینه داشتم، اعصابم خرد شده بود. پس از آن هم چاقوی خون آلود را برداشتم و سوار بر موتور سیکلت فرار کردم ولی قصد کشتن او را نداشتم. اگر من او را نمی زدم، او که آدم خطرناکی بود مرا با چاقو می زد!

متهم این پرونده جنایی درباره ماجرای خود کشی نیز گفت: وقتی فهمیدم که «الف» را کشته ام، ناراحت بودم تا این که غروب دوشنبه نامه ای نوشتم و به قصد خود کشی به قله یکی از کوه های اطراف مشهد رفتم تا خودم را از گوه پایین بیندازم! اما در آخرین لحظات به یکی از دوستانم زنگ زدم. او وقتی از قصد من آگاه شد، شماره تلفن پلیس آگاهی را به من داد و گفت، قبل از این کار با پلیس تماس بگیر. من هم با پلیس تماس گرفتم، کارآگاه سلطانیان را ندیده بودم ولی وقتی با او صحبت کردم،

وقوع یک چهارم فیشینگ سالانه در تیرماه

### کلاهبرداری های اینترنتی در کشور به مرز هشتاد رسید



جذابیتی مانند کارت سوخت، قطع یارانه، سید حمایتی خانوار و خرید شارژ اینترنت رایگان سوءاستفاده می کنند. آمار دقیقی از میزان فیشینگ و کلاهبرداری های اینترنتی وجود ندارد اما بررسی های ایران نشان می دهد که در

**سجاد پور** - جوان ۲۴ ساله ای که با اعتراف به قتل دیگری پای چوبه دار، اجرای حکم قصاص نفس خود را حدود یک هفته به تأخیر انداخت، بالاخره سپیده دم نوزدهم مرداد در زندان مشهد به دار مجازات آویخته شد.

به گزارش اختصاصی خراسان، هشتم خرداد سال ۹۵، نزاع خونینی در بولوار عمار یاسر مشهد رخ داد که طی آن مرد ۳۳ ساله ای با ضربات مهلک چاقو به قتل رسید و عامل جنایت از صحنه حادثه گریخت.

دقایقی بعد با حضور قاضی سید جواد حسینی (قاضی ویژه قتل عمد مشهد در زمان وقوع حادثه) تحقیقات گسترده ای برای شناسایی و دستگیری ضارب آغاز شد. بررسی های مقدماتی نشان می داد که جوان ۲۱ ساله ای به نام فرهاد به دلیل خصومت های قبلی، دست به جنایت زده و او محل گریخته است. به همین دلیل و با دستور قاضی وقت شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، عملیات دستگیری متهم فراری در دستور کار پلیس قرار گرفت تا این که سه روز بعد یکی از کارآگاهان اداره جنایی با تماس تلفنی قاتل فراری روبه روشد که خودش به افسر پرونده ننگ زده بود!

به گزارش خراسان، این متهم که نشانی محل حضورش در قله یک کوه را به کارآگاه سلطانیان (افسر وقت پرونده قتل) داده بود، دستگیر و پای میز عدالت ایستاد. «فرهاد» که به سوالات قاضی حسینی پاسخ می داد در تشریح ماجرا گفت: من از شش سال قبل وزمانی که ۱۵ سال بیشتر نداشتم، از «الف» وحشت داشتم. او چنان زهر چشمی از من گرفته بود که اکنون حتی از دیدن جسد او هم می ترسم! آن زمان من در کلاس دوم راهنمایی درس می خواندم که شبی «الف» و چند تن از دوستانش به دلیل اختلافی که با عموهایم داشتند، به منزل ما هجوم آوردند. نیمه های شب بود و من به او التماس می کردم که آینده خواهرانم را خراب نکند ولی گوش او بدهکار این حرف ها نبود. در طول این سال ها، مدام از من باج گیری می کرد. من قصاب بودم و او همیشه پول هایم را می گرفت و تنها مبلغ است و چندان از دوستاش به دلیل اختلافی زورگویی های او برابرم سخت بود ولی چاره ای جز گوش کردن به حرفش نداشتم. روزها به همین ترتیب سیری می شد تا این که چندروز قبل، با موتور سیکلت آپاچی سرکوه چایستاده بودم که صدای «الف» را از طبقه دوم منزل «ب» شنیدم. منزل او پاتوق معتادان بود و من

از روزی که با «نورالدین» آشنا شده بودم، زندگی را جور دیگری می دیدم. همواره فکر می کردم نیمه گمشده خودم را یافته ام و بعد از ازدواج با یک جوان ایرانی دیگر همه مشکلاتم حل می شود و راه سعادت و خوشبختی را در پیش می گیرم. اما از روزی که با نقشه های او به سرویس های طلا و میلیون ها تومان پول پدر بزرگم دستبرددم، دیگر آن جوان عاشق پیشه حتی پاسخ تلفن هایم را نداد و... دختر ۲۰ ساله ای که به اتهام سرقت ده ها میلیون تومان پول و طلا توسط نیروهای تجسس کلانتری سپاد مشهد دستگیر شده بود، در حالی که بیان می کرد، هدف «نورالدین» از آن همه ابراز عشق و علاقه های دروغین فقط سوءاستفاده از من بود،

درباره ماجرای دستبرد به منزل پدر بزرگش به کارشناس اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: حدود ۱۰ سال قبل وقتی پدرم در افغانستان فوت کرد، مادرم دست مرا گرفت و به مشهد آمدم. پدر بزرگم چندین سال قبل و همزمان با شدید شدن جنگ در افغانستان به مشهد مهاجرت کرده بود. او به دلیل این که وضعیت مالی خوبی داشت، منزلی دو طبقه در حاشیه شهر مشهد خریداری کرده بود که همزمان با حضور ما یک طبقه از منزلش را به مادرم اجاره داد. به همین دلیل مادرم مجبور بود در بیرون از منزل کار کند تا مخارج زندگی و مبلغ اجاره منزل را به پدر بزرگم بپردازد. من هم وقتی می دیدم پدر بزرگم که مردی پولدار است از مادرم اجاره می گیرد، از همان دوران کودکی کینه او را به دل گرفتم تا این که تحصیلاتم در مقطع دبیرستان به پایان رسید. با توجه به تجوی که در رشته حسابداری داشتم، از حدود دو سال قبل در یک شرکت خصوصی مشغول کار شدم. آن جابود که به نگاه های «نورالدین» دل باختم. او نیز در همان شرکت کاری کرد و توجه خاصی به من داشت. خیلی زود رابطه عاطفی عمیقی بین ما شکل گرفت به طوری که دیگر فکر می کردم نیمه گمشده ام را یافته ام و رانامزد خودم می دانستم. «نورالدین» هم مدام با وعده و وعیدهای ازدواج از من سوءاستفاده می کرد. ابراز علاقه و جملات عاشقانه او به حدی بود که خودم را خوشبخت ترین دختر روی زمین می دانستم. از سوی دیگر نورالدین ایرانی بود و احساس می کردم پس از ازدواج با او دیگر همه مشکلات حضور غیر مجاز مان در

ایران رفع می شود. آن قدر در افکارم به آرزوهای دور و دراز خودم می اندیشیدم که هیچ چیزی جز نورالدین نمی دیدم. به همین دلیل همواره سیرتاپیاز زندگی خودمان را برای او بازگرم کردم تا این که روزی از پول های پدر بزرگم برایش سخن گفتم که در منزلش نگهداری می کرد. از آن روز به بعد نورالدین مدام مرا وسوسه می کرد که برای سعادت و خوشبختی خودمان پول های او را به سرقت ببریم. او هر روز برای این دستبرد نقشه های متفاوتی می کشید و از من می خواست نقشه های او را اجرا کنم ولی من جرئت این کار را نداشتم. خلاصه احساس می کردم «نورالدین» از من نجیده خاطر شده است. بالاخره خودم را قانع کردم که این پول ها، همان مبالغی است که مادرم طی چند سال به پدر بزرگم بابت اجاره پرداخت کرده است! این بهانه خودم را آماده اجرای نقشه نورالدین کرده بودم که اتفاق دیگری افتاد. آن روز خاله ام که در یکی از کشورهای اروپایی زندگی می کند، به همراه دوسرویس طلا و مقدار زیادی دلار و یورو به مشهد آمد و به دلیل این که بیمار بود طلاها و دلارهایش را به پدر بزرگم سپرد و خودش برای درمان به بیمارستان رفت و پزشکان او را برای ادامه درمان بستری کردند. من هم که با دیدن طلاها وسوسه شده بودم با خوشحالی موضوع را به نورالدین اطلاع دادم که او هم بلافاصله نقشه اش را تغییر داد تا بتوانیم اموال خاله ام را نیز سرقت کنیم. طبق نقشه نورالدین، زمانی که پدر بزرگم به همراه فامیل برای ملاقات خاله ام عازم بیمارستان شدند من به بهانه کار ضروری در شرکت با آن هانرفتم و در یک فرصت مناسب همه طلاها و ارزهای خارجی را به همراه ۴۰ میلیون تومان پول های پدر بزرگم سرقت کردم و آن ها را داخل یک کیف به نورالدین رساندم. او هم با گرفتن آن ها به مکان نامعلومی رفت و دیگر رابطه اش را با من قطع کرد، به طوری که حتی پاسخ تلفن هایم را نمی دهد. در این میان پدر بزرگم با لورفتن ماجرا از من شکایت کرده است و حاضر به لورفتن ماجرا از من شکایت کرده سرقتی را به او بازگردانم. حالانازهمی فهمم که همه آن عشق و علاقه های دروغین فقط برای سوءاستفاده از من بوده است و...

شیان ذکر است، به دستور سرهنگ عباس زمینی (رئیس کلانتری سپاد) این پرونده برای دستگیری نورالدین به دایره تجسس سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

#### سانحه دلخراش رانندگی در جاده مشهد ۳ قربانی گرفت



وسيله نقلیه بر اثر شدت جراحات وارد شده در دم جان باختند و شش تن نیز مصدوم شدند.

سرپرست معاونت عملیات سازمان آتش نشانی مشهد از امداد رسانی گروه های امداد و نجات آتش نشانی به سانحه دیدگان تصادف رانندگی در جاده قدیم مشهد به نیشابور خبر داد که سه کشته و شش مصدوم به جا گذاشت. به گزارش روابط عمومی و بین الملل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد، آتشپاد دوم محمد جواد سبحانی افزود: روز گذشته تصادف شدیدی بین دو خودروی سواری رخ داد که سه نفر از سرنشینان هر دو

یک سال گذشته (منتهی به تیر ۹۸) حدود پنج هزار فیشینگ در کشور شناسایی شده که یک چهارم آن (۲۵ درصد) مربوط به تیرماه است. این آمار مربوط به مواردی است که تحت پایش و رصد قرار گرفته و شناسایی شده است. پیش از این، بانک مرکزی قصد داشت، استفاده از رمز دوم پویا را از ابتدای خرداد الزامی کند که این الزام به تعویق افتاد. بانک مرکزی معتقد است، استفاده از رمز دوم پویا در کاهش جرایم فیشینگ و لورفتن اطلاعات حساب ها و کارت های بانکی اشخاص بسیار موثر است.

### درمان تخصصی وسواس، افسردگی، خشم مشاوره اختلالات و مسائل جسمی زناشویی مشاوره تخصصی ازدواج

بولوار سجاد، نبش سجاد ۳
تلفن: ۰۵۱۳۷۶۱۳۱۳۵-۰۹۳۸۱۵۷۸۳۲۶
مرکز روانشناسی بزرگمهر
۰۲۲-۶۶۰۰۶۸۰۶

جشنواره غذاهای دریایی در

# رستوران اقیانوس

به مناسبت اعیاد قربان و غدیر و همزمان با افتتاح بزرگترین مجموعه غذاهای دریایی کشور، کلیه غذاهای دریایی، فقط در شعبه طرقله با ۲۰٪ تخفیف عرضه می گردد.

**شعبه ۱: انتهای دانشجوی ۱۶**  
**شعبه ۲: طرقله، نبش عنبران ۱**

۳۸۹۳۹۲۹۲  
۳۴۲۳۳۴۰۰

به تعدادی وانت مزدا دوکابین و تک کابین یا وانت یکان باراننده (برای مدت ۱ ماه) با کارکرد حداقل روزانه ۱۲ ساعت کار نیازمندید  
۰۹۱۵۴۴۷۲۵۲-۰۹۱۵۲۴۹۳۳۶-۰۹۱۵۰۶۶۵۲۱